جایگاه بیمه‌ی (سازمان) تأمین اجتماعی بندرعباس در کسب اعتماد اجتمـاعی این شهرستان (۱۳۹۳-۱۳۹۱)

مسعود جعفری‌نژاد*
محمود خوارزمی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۳۰
تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۲

چکیده

اعتمـاد اجتماعـی مفهومـی اسـت کـه در فرایند روابـط اجتماعی بیـن افراد و سـازمان‌های اجتماعـی بـا یکدیگـر بـه وجـود می‌آیـد و اصلی‌تریـن و مهم‌تریـن رکـن سـرمایه‌ی اجتماعـی بـه شـمار مـی‌رود کـه در حیطـه‌ی خصوصـی و عمومـی، شـکل‌دهنده‌ی ایـن سـرمایه اسـت. وجـه خصوصـی آن در مـورد رابطـه‌ی دو شـخص خـاص بـا یکدیگـر صـدق می‌کنـد و وجـه عمومـی آن در مـورد اعتمـاد بـه گـروه، حـزب یـا دولـت یـا سـازمان‌های رسـمی و غیـر رسـمی و نهادهـای اجتماعـی نمـود دارد. ایـن سـازمان‌ها یـا نهادهـای اجتماعـی می‌تواننـد بـا ایجـاد رابطـه میـان افـراد جامعـه، مشـارکت اجتماعـی را افزایـش دهنـد و اعتمـاد اجتماعـی را بـه وجـود آورنـد. ایـن مقالـه با هـدف بررسـی تفـاوت میانگیـن اعتمـاد اجتماعی پاسـخگویان، در دو گـروه دریافـت مسـتمری یـا فقـدان مسـتمری بیمـه‌ی از کارافتادگـی تأمیـن اجتماعـی اسـتان هرمـزگان صـورت گرفته‌اسـت. جامعـه‌ی آمـاری ایـن پژوهـش، از یـک سـو مشـمول دو گـروه مسـتمری‌بگیران از کارافتادگـی بیمـه‌ی تأمین‌اجتماعـی اسـتان هرمـزگان در سـال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۱ و از سـوی دیگـر، فاقـدان مسـتمری بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی ایـن اسـتان تعییـن شـد و از ایـن دو گـروه، سـی نفـر بـه صـورت تصادفـی به عنـوان نمونـه انتخاب شـدند. روش تحقیـق در ایـن پژوهـش، پیمایشـی اسـت. بـرای گـردآوری اطلاعـات از ابـزار پرسـش‌نامه‌ی اسـتاندارد مادسـیج اعتمـاد اجتماعـی، در بررسـی رابطـه‌ی اجتماعـی بیـن دو گـروه از آزمـون تـی مسـتقل و در بررسـی میـزان همبسـتگی آنهـا از آزمـون اتـا اسـتفاده شـد. یافته‌هـا نشـان می‌دهـد کـه مسـتمر بگیـران از کار افتـاده‌ی بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی نسـبت بـه فاقـدان مسـتمری، از اعتمـاد اجتماعـی بالاتـری برخوردارنـد. نتیجـه‌ی بـه دسـت آمـده حاکـی از شـدت رابطـه‌ی بـالا (۰/۷۴) بیـن دو متغیـر اسـت.

کلیدواژه‌هـــا: اعتمـاد اجتماعـی، تأمیـن اجتماعـی، بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی، از کارافتادگـی بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد شهر رضا اصفهان. Pegah420ma@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی و سیاستگذاری عمومی، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور هرمزگان. Kharazmi.mh16@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

۱ــ مقدمه

یکـی از مهم‌تریـن و اصلی‌تریـن رکـن سـرمایه‌ی اجتماعـی، اعتمـاد اجتماعـی اسـت. تاکنـون اندیشـمندان اجتماعـی تعاریـف مفهومـی بسـیاری از اعتمـاد مطـرح کرده‌انـد؛ اعتماد اجتماعـی اسـت کـه تعهـد بـه منافـع ملـی و اجتماعـی را بـالا می‌بـرد. در جامعه‌ای کـه اعتماد اجتماعـی بـالا باشـد مـردم بـه حکومـت، قوانیـن و مجریـان آن بـه چشـم حامـی و خـادم می‌نگرنـد و خـود را نسـبت بـه مشـکلات اجتماعـی مسـئول می‌داننـد و بی‌تفاوتـی اجتماعـی بـه حداقـل خـود کاهـش می‌یابـد. در یـک تقسـیم‌بندی کلـی اعتمـاد را می‌تـوان در چهـار سـطح بررسـی کـرد؛ اعتمـاد بنیادیـن کـه در سـطح فـردی و روانشناسـی بررسـی می‌شـود، اعتمـاد بیـن شـخصی، اعتمـاد تعمیم‌یافتـه و اعتمـاد بـه نظـام یـا سیسـتم کـه در سـطح جامعه‌شناسـی بحـث می‌شـود. اعتمـاد بـه نظـام یـا سیسـتم بدیـن صـورت اسـت کـه در جامعـه‌ی مـدرن، الزامـاً دو سـوی فراینـد ارتبـاط، ارتباط‌گـران انسـانی نیسـتند، بلکه انسـان‌ها گاهـی بـا کنش‌گـران غیرفـردی ارتبـاط برقـرار می‌کننـد. بـه ایـن ترتیـب شـکل دیگـری از اعتمـاد مطـرح می‌شـود کـه متوجـه سـاختارهای غیرشـخصی اسـت. در ایـن مـورد بـه دو نوع اعتمـاد نهـادی و مدنـی یـا انتزاعـی اشـاره شده‌اسـت. اعتمـاد نهـادی دلالـت دارد بـر میـزان مقبولیـت و کارایـی و اعتمـادی کـه مـردم بـه نهادهـای رسـمی دولتـی دارنـد؛ به تعبیـر دیگر، انعـکاس فقـدان اعتمـاد بـه نهادهـا در اغلـب مـوارد نتیجـه‌ی بی‌اعتمـادی بـه افـرادی اسـت کـه عهـده‌دار امـور آن نهادهـا هسـتند. بنابرایـن، میـزان اعتمـاد نهـادی برحسـب نـوع ارزیابی مـردم از کارکنـان ایـن نهادهـا در قالـب ادارات، ارگان‌هـا و نهادهـای مختلفـی کـه در زندگـی روزمـره بـا آنهـا ارتبـاط دارنـد، سـنجیده می‌شـود. مدرسـه، دانشـگاه، ارتـش، دادگاه، نیـروی انتظامـی، بانک‌هـا، بـازار سـهام، تأمیـن اجتماعـی و... نوعـی از ایـن اعتمـاد هسـتند (علی‌پـور، ۱۳۸۳: ۲۸). میـزان اعتمـادی کـه مـردم بـه نهادهـای مختلـف دارنـد در بیـن جوامـع متفـاوت اسـت و در طـی زمـان دسـتخوش تغییراتـی می‌شـود (زتومکا، ۱۳۸۲: ۳۱). اعتمـاد اجتماعـی، مهم‌تریـن رکـن سـرمایه‌ی اجتماعـی و پیـش شـرط مشـارکت جمعـی اسـت؛ یعنـی هـر انـدازه اعتمـاد اجتماعـی بیـن افـراد یـک جامعـه، نهادهـا، دولـت و ...بیشـتر باشـد، بـه همـان انـدازه انتظـار مشـارکت اجتماعـی نیـز بـالا مـی‌رود. بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی یکـی از انـواع ایـن نهادهـای اجتماعـی اسـت کـه در کاهـش یـا افزایـش اعتمـاد اجتماعـی در جامعـه نقـش دارد. واژه‌ی تأمیـن اجتماعـی گاهـی بـا اصطـلاح رفـاه اجتماعـی، بیمه‌های اجتماعـی، خدمات اجتماعـی و ... تداخـل داده می‌شـود و بایـد گفـت مفهـوم واقعـی اجتماعـی پدیده‌هـای اجتماعـی و همـه‌ی جنبه‌هـای زندگـی اجتماعـی را در بـر می‌گیـرد؛ ماننـد جوانـب اقتصـادی، فرهنگـی، سیاسـی، عقیدتـی، بهداشـتی، درمانـی، معیشـتی و... . بیمه‌ی تأمیـن اجتماعی درج. ا.ا دارای خدماتـی بلندمـدت و کوتاه‌مـدت اسـت؛ بیمـه‌ی از کار افتادگـی تأمیـن اجتماعـی یکـی از خدمـات بلنـد مـدت تأمیـن اجتماعـی اسـت کـه بـه نسـبت خوبـی توانسته‌اسـت مشـارکت، اعتمـاد و سـرمایه‌ی اجتماعـی را در اسـتان هرمـزگان افزایـش دهـد. در این پژوهش تـلاش می‌شـود بـه ایـن پرسـش اساسـی پاسـخ داده شـود کـه رابطه‌ی بیـن مسـتمری‌بگیران از کار افتادگی‌هـای بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی و اعتمـاد اجتماعـی آنهـا چگونـه اسـت.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

۱ـ۱ـ اعتماد اجتماعی و دیدگاه نظریه‌پردازان

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود. در فرهنگ لغت آکسفورد، اعتماد به معنی اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی یک شخص یا حتی درستی و حقانیت یک نظریه تعریف شده‌است. با وجود اینکه تاکنون اندیشمندان اجتماعی تعاریف مفهومی بسیاری از اعتماد مطرح کرده‌اند، در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

تالکوت پارسنز، اعتماد را عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم می‌داند. به عقیده وی، اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در اجرای وظایفشان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند (انعام، ۱۳۸۲: ۱۷).

آنتونی گیدنز در تعریف اعتماد به فرهنگ آکسفورد استناد می‌کند و اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء به نوعی کیفیت، صفت یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته‌ای توصیف می‌کند. به اعتقاد وی اعتماد نوع خاصی از اطمینان است و چیزی یکسره متفاوت از آن نیست (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۸).

رونالد اینگلهارت در تعریف خود از اعتماد، به جنبه‌ی قابلیت پیش‌بینی رفتار توجه و عقیده دارد اعتماد یا عدم اعتماد، به تشکیل انتظارات در شرایط اطلاعاتی ناقص کمک می‌کند و اعتماد این انتظارات را در بر می‌گیرد که رفتار دیگری به طرز قابل پیش‌بینی دوستانه خواهد بود و در جهت مخالفت رفتار موذیانه یا اعتمادناپذیر افراد، عدم اعتماد تلقی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۸).

فرانسیس فوکویاما اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه‌ی بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۳۳).

به نظر کلاوس‌افه، اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. وی همچنین اعتماد را فرضی شناختی می‌داند که کنشگران فردی یا جمعی/ گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند (به نقل از تاج‌بخش، ۱۳۷۹: ۵).

دیوید جانسون معتقد است: اعتماد یک ویژگی شخصی ثابت و بلاتغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد (Johnson, 1993).

در یک جمع‌بندی کلی، اشتراکات تعاریف فوق را می‌توان این چنین برشمرد: ۱- اعتماد در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با همدیگر تبلور می‌یابد. ۲- اعتماد متضمن نوعی انتظار است. ۳- اعتماد در شرایط و وضعیت مخاطره‌آمیز وجود دارد. مفهوم فقدان تعین اجتماعی، یعنی فقدان پیش‌بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد توأم است. ۴- حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

نیـز عنصـر کلیـدی اعتمـاد محسـوب می‌شـود؛ چـرا کـه بـا وجـود فقـدان قطعیت‌هـا و وجـود خطـر در روابـط، افـراد بـه دلیـل حسـن ظـن و احسـاس مثبتـی کـه بـه یکدیگـر دارنـد به هم اعتمـاد می‌کننـد. ۵- اعتمـاد واقعیتـی اجتماعـی و فرهنگـی اسـت. ۶- اعتمـاد خصلـت نسـبی و متغیـر دارد؛ یعنـی اینکـه در یـک جامعـه در دوره‌هـای مختلـف تاریخـی تغییـر می‌کنـد.

۱ـ۲ـ چارچوب نظری شکل‌گیری اعتماد اجتماعی

در بررسـی پیشـینه‌ی مطالعاتـی اعتمـاد اجتماعـی، ضعـف عمـده در کمبـود مطالعـه‌ی نظـری و تجربـی عوامـل مؤثـر بـر شـکل‌گیری اعتمـاد اجتماعـی اسـت. بـا مـروری بـر نظریه‌پردازی‌هـای صـورت گرفتـه، اعتمـاد و نظریه‌هـای مربـوط بـه آن را می‌توانیـم در سـه سـطح خـرد، میانـی و کلان قابـل توجـه قـرار دهیـم. در هـر یـک از ایـن سـطوح، می‌تـوان تئوری‌هـای متفاوتـی را قـرار داد کـه هـر یـک از منظـر و دیـدگاه خاصـی بـه اعتمـاد می‌نگرند.

در سـطح خـرد، اعتمـاد بـه عنـوان ویژگـی فـردی مطـرح می‌شـود، بـر احساسـات، عواطـف و ارزش‌هـای فـردی تأکیـد می‌گـردد و در بررسـی اعتمـاد تئوری‌هـای شـخصیت و متغیرهـای فـردی قابـل توجـه قـرار می‌گیـرد. براسـاس ایـن دیـدگاه، اعتمـاد بـا مفاهیمـی چـون همـکاری، صداقـت، وفـاداری، صمیمیـت، امیـد و دگرخواهـی ارتبـاط نزدیکـی دارد. نظریـه پردازانـی همچـون کلمـن، اریکسـون، پیتـر ام بـلاو، جانسـون و ... از منظـر نظریه‌هـای خـرد بـه بررسـی و تحلیـل مفهـوم اعتمـاد پرداخته‌انـد. نظریه‌پـردازان خردنگـر بـه منظـور تحلیـل معنـا و مفهـوم اعتمـاد، سـطح تحلیـل خـرد و مطالعـه‌ی کنـش را برگزیده‌انـد. همه‌ی ایـن نظریه‌پـردازان، اعتمـاد را بـه عنـوان یـک ویژگـی فـردی و متأثـر از کنش‌هـای افـراد در نظـر می‌گیرنـد.

در سـطح کلان، اعتمـاد بـه عنـوان ویژگـی روابـط اجتماعـی یـا ویژگـی نظـام اجتماعـی و بـه طـور کلـی بـه عنـوان یـک ویژگـی جمعـی مفهوم‌سـازی می‌شـود. نظریه‌پردازانـی ماننـد دورکیـم، تونیـس، اسپنسـر، زیمـل، پارسـنز، اینگلهـارت، پاتنـام، فوکویامـا، لوهمـان و غیـره سـعی کرده‌انـد بـا تأکیـد بـر سـاخت اجتماعـی جامعـه، بـه مطالعـه‌ی اعتمـاد اجتماعـی بپردازنـد. همـه‌ی ایـن نظریه‌پـردازان، سـطح تحلیـل کلان را بـرای بررسـی خـود دربـاره‌ی اعتمـاد برگزیده‌انـد. همیـن طـور در بررسـی و تحلیـل مفهـوم اعتمـاد، سـطح مطالعـه‌ی خـود را بـر سـاخت اجتماعـی متمرکـز سـاخته‌اند.

در بینابیـن نظریه‌هـای خـرد و کلان اعتمـاد، نظریه‌پردازانـی چـون گیدنـز بـا طـرح تئوری سـاختاربندی هـر گونـه تقلیل‌گرایـی را در بررسـی مفهـوم اعتمـاد رد کـرد و بـا تلفیـق سـطح تحلیـل خـرد و کلان و سـطح مطالعـه‌ی سـاخت و کنـش، بـه بررسـی و تحلیـل مفهـوم اعتمـاد پرداخـت. بـه عقیـده‌ی گیدنـز در جوامـع پیـش از مـدرن، اعتمـاد از نوعـی پای‌بنـدی چهـره‌دار و مبتنـی بـر هـم حضـوری بوده‌اسـت. در حالـی کـه در عصـر مدرنیتـه و جهـان مـدرن امـروزی وضعیـت ایـن چنیـن نیسـت. اعتمـاد غیـر شـخصی بـه دیگـران ناشـناس، ناشـی از ماهیـت رشـد یابنـده‌ی نظام‌هـای انتزاعـی می‌باشـد. وجـه عمـده‌ی اعتمـاد در دوران مدرنیـه، پای‌بنـدی بی‌چهـره‌ای اسـت کـه در نظام‌هـای تخصصـی معنـا پیـدا می‌کنـد (ریتـرز، ۱۳۸۶: ۹۸). در ایـن نوشـتار از ارائـه نظریـات متعـدد خـودداری و تنهـا آرای جیمـز

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

کلمـن، فرانسـیس فوکویامـا و آنتونـی گیدنـز بـه عنـوان نماینـده‌ی اصلـی ایـن سـه سـطح بررسـی می‌شـود.

ـ جیمز کلمن (سطح خرد)

نظریـات جیمـز کلمـن کـه در چارچـوب نظریـات سـرمایه‌ی اجتماعـی مطـرح شده‌اسـت، اگرچـه بـه ابعـاد اعتمـاد شـخصی و انتزاعـی توجـه دارد، بـه طـور کلـی شـیوه‌ی روانشـناختی مبادلـه را مبنـای تحلیل‌هـای خـود قـرار می‌دهـد و بـه خصـوص در تحلیـل روابـط گروه‌هـای بـا تعـداد نسـبتاً زیـاد، تنهـا همـان قواعـد گروه‌هـای دو و سـه نفـره را بـه کار می‌بـرد. حـال آنکـه در تئـوری مبادلـه بـه خوبـی نشـان داده شده‌اسـت کـه قواعـد حاکـم بـر گروه‌هـای بـزرگ بـه صورتـی ماهـوی بـا قواعـد جـاری در گروه‌هـای کوچـک متفـاوت اسـت (بـه نقـل از آزاد ارمکـی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

بـه نظـر کلمـن در هـر رابطـه‌ی مبتنـی بـر اعتمـاد حداقـل دو جـزء وجـود دارد؛ اعتمـاد کننـده و اعتمـاد شـونده و فـرض بـر ایـن اسـت کـه در کنـش هـر دو جـزء هدفمند بـوده و در پـی ارضـای نیازهـای خـود هسـتند. طـرف اعتمادکننـده بایـد تصمیـم بگیـرد کـه بـا دیگـری وارد معاملـه شـود یـا نـه (یعنـی خطـر را بپذیـرد یـا نـه) و طـرف اعتمـاد شـونده نیـز بایـد بیـن حفـظ اعتمـاد یـا شکسـتن آن دسـت بـه انتخـاب بزنـد. بنابرایـن، یـک رابطـه‌ی مبتنـی بـر اعتمـاد، رابطـه‌ای دوجانبـه اسـت و بـر مبنـای اصـل بـه حداکثـر رسـاندن فایـده، تحـت شـرایط مخاطـره قـرار دارد (کلمـن، ۱۳۷۷: ۹۲).

بـه عقیـده‌ی کلمـن اصـولاً در یـک رابطـه‌ی مبتنـی بـر اعتمـاد، مـا بـا کنشـگرانی عقلانی مواجـه هسـتیم. در ایـن رابطـه اگـر بـرای کنشـگر شـانس پیـروزی در مقایسـه بـا شـانس شکسـت بیشـتر باشـد، اعتمـاد خواهـد کـرد؛ زیـرا او موجـودی عقلانـی اسـت و بایـد اعتمـاد کنـد. ایـن بیـان سـاده مبتنـی بـر اصـل بـه حداکثـر رسـاندن سـودمندی تحـت شـرایط ریسـک اسـت. اعتمـاد کننـده‌ی بالقـوه بایـد بیـن اعتمـاد نکـردن ـ کـه در ایـن صـورت هیـچ تغییـری در سـودمندی او حاصـل نمی‌شـود ـ و اعتمـاد کـردن ـ کـه در ایـن صـورت بـه کنش طـرف مقابـل بسـتگی دارد ـ تصمیم‌گیـری کنـد (Coleman, 1990). بنـا بـر آنچـه ذکـر گردیـد، طبـق نظـر کلمـن چـون انسـان موجـودی عقلانـی اسـت کـه کنش‌هـای او مبتنـی بر گزینـش معقولانـه اسـت؛ از ایـن رو، همیشـه در فکـر ایـن اسـت کـه در روابـط خـود حداکثـر سـود ممکـن را کسـب کنـد. او بـرای ایـن کار ابتـدا مقـداری از منابـع را از طـرف خـود هزینـه می‌کنـد کـه بـه عنـوان هزینـه‌ی اعتمـاد در نظـر گرفتـه می‌شـود تـا بتوانـد در جریـان اعتمـاد بـه سـودی متناسـب بـا آن هزینـه دسـت یابـد. لـذا اگـر جریـان و رابطـه‌ی اعتمـادی سـودآور باشـد، اعتمـاد و روابـط اعتمـادی بیشـتر خواهـد شـد، ولـی اگـر ایـن رابطـه‌ی اعتماد سـودآور نباشـد، یـا اینکـه باعـث ریسـک بـالا و فقـدان سـود متناسـب شـود، آن گاه اعتمـاد و رابطـه‌ی اعتمـادی کاهـش می‌یابد.

ـ فرانسیس فوکویاما (سطح کلان)

فوکویامـا بـا نوعـی رویکـرد اقتصـادی بـه تبییـن مسـأله‌ی اعتمـاد می‌پـردازد و مبنـای نظـری و کانـون تمرکـز وی، بـر حفـظ سـرمایه‌ی اجتماعـی بـه عنـوان مجموعـه‌ی معینـی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

از هنجارهـا و ارزش‌هـای غیـر رسـمی اسـت و اعضـای گروهـی کـه بـا یکدیگـر همـکاری و همیـاری دارنـد، در آن سـهیم هسـتند. از دیـد فوکویامـا، ایـن ارزش‌هـا و هنجارهـا بایـد شـامل سـجایایی از قبیـل صداقـت، ادای تعهـدات و ارتباطـات دو جانبـه باشـد (فوکویامـا، ۱۳۷۹: ۱۰۲)؛ بـه طـوری کـه مشـارکت در ایـن ارزش‌هـا و هنجارهـای غیـر رسـمی بـا چنیـن ویژگی‌هایـی، توسـط گروهـی از افـراد کـه بـا یکدیگـر همـکاری دارنـد، اعتمـاد را بـه وجـود مـی‌آورد. البتـه بـه عقیـده‌ی فوکویامـا، ایـن همـکاری و همیـاری بـه منظـور افزایـش بهـره‌وری اقتصـادی صـورت می‌گیـرد؛ بنابرایـن، وی اعتمـاد را بـر مبنـای سـرمایه‌ی اجتماعـی و در عرصـه‌ی اقتصـادی مطـرح می‌سـازد.

فوکویامـا «شـبکه‌ی اعتمـاد» را یکـی از مفاهیـم مهـم در تبییـن سـرمایه‌ی اجتماعـی می‌دانـد. ایـن شـبکه عبـارت اسـت از گروهـی کـه براسـاس اعتمـاد متقابـل بـه یکدیگـر، از اطلاعـات، هنجارهـا و ارزش‌هـای یکسـانی در تبـادلات بیـن خـود اسـتفاده می‌کننـد؛ از ایـن‌رو اعتمـاد بیـن خـود، در تسـهیل فرآیندهـا و کاهـش هزینه‌هـای مربـوط بـه این‌گونـه تبـادلات نقـش زیـادی دارد. شـبکه‌ی اعتمـاد می‌توانـد بیـن افـراد یـک گـروه یـا بیـن گروه‌هـا و سـازمان‌های مختلـف بـه وجـود آیـد. فوکویامـا معتقـد اسـت کـه «قبـل از ورود بـه هـر سیسـتم تجـاری یـا اجتماعـی، بایـد اطلاعـات کافـی دربـاره‌ی شـبکه‌های اعتمـاد موجـود در آن سیسـتم و ویژگی‌هـای آن بـه دسـت آورد؛ زیـرا اعتمـاد را پایـه‌ی هـر گونـه مبـادلات اقتصـادی و اجتماعـی می‌دانـد.» (بـه نقـل از رجبلـو، ۱۳۸۵: ۶۵ ؛ الوانـی و شـیروانی، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

فوکویامـا عنـوان می‌کنـد، بیـن سـطح اعتمـاد بـا پیشـرفت جوامـع ارتبـاط معنـی‌داری وجـود دارد. بـه عقیـده‌ی وی، جوامـع توسـعه‌یافته در مقایسـه بـا جوامـع دیگـر از سـطح اعتمـاد بالاتـری برخوردارنـد. وی در ایـن بـاره می‌نویسـد: خوشـبختی یـک ملـت و همین طور توانایـی بـرای رقابـت، منـوط اسـت بـه داشـتن یـک ویژگـی فرهنگـی واحـد فراگیـر کـه آن سـطح اعتمـاد در جامعـه اسـت.

ـ آنتونی گیدنز (سطح میانی)

دیـدگاه جامعه‌شـناس بریتانیایـی آنتونـی گیدنـز، بـه دلیـل اینکـه هـر دو وجـه جامعه‌شناسـی و روانشناسـی را در تبییـن اعتمـاد اجتماعـی بـه صـورت توأمـان بـه کار گرفته، توجـه بسـیاری از محققیـن داخلـی و خارجـی را بـه خـود جلـب کرده‌اسـت و بسـیاری از آنهـا بـا محوریـت ایـن تئـوری بـه بررسـی ایـن پدیـده‌ی اجتماعـی پرداخته‌انـد. مهم‌تریـن خصلـت آرای گیدنـز تلفیـق سـطوح خـرد و کلان، ویژگـی تحلیـل الگوهـای اعتمـاد در دوران ماقبـل مـدرن و مابعـد مدرنتیـه و چگونگـی سـاز و کار تغییـر آن اسـت. بـه عقیـده‌ی وی «پویایـی مدرنیـت سـه سرچشـمه مهـم دارد: جدایـی زمـان و مـکان، تحـول مکانیسـم‌های از جـا کندگـی و تخصیـص بازاندیشـانه. در دیـد وی نشـانه‌های نمادیـن و نظام‌هـای تخصصـی، نظام‌هـای انجـام دادن کار فنـی یـا مهـارت تخصصـی اسـت کـه حوزه‌هـای وسـیعی از محیط‌هـای مـادی و اجتماعـی زندگـی کنونـی مـا را سـازمان می‌دهنـد.» (گیدنـز، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

از نظـر گیدنـز «اعتمـاد در جوامـع ماقبـل نویـن از اهمیـت کمتـری در مقایسـه بـا جوامـع جوامـع نویـن برخـوردار اسـت؛ چـرا کـه افـراد هـر چـه فاصلـه‌ی زمانـی ـ مکانـی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رو در رو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند؛ زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله‌ی زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط، کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند.» (به نقل از ریتزر، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

گیدنز در مباحث خویش بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده‌ی آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است؛ از این رو، در حالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، می‌تواند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده‌ی اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد؛ یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته است، شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، و نظارت و کنترل کیفیت میزانی از اعتماد داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱۲). گیدنز همچنین برای نشان دادن نقطه‌ی مقابل اعتماد از مفهوم و اصطلاح بی‌اعتمادی استفاده می‌کند که شامل اعتماد نسبت به اشخاص و نظام‌های انتزاعی است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۲).

اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است که با اخلاق و ایمان ارتباط مستقیمی دارد؛ چرا که با کاهش و کم رنگ شدن باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی، اعتماد اجتماعی نیز کم رنگ می‌شود و این اعتماد اجتماعی است که با افزایش آن، اعتماد عمومی مردم به یکدیگر افزایش می‌یابد و از سویی باعث ارتقاء سطح روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر، به افزایش مشارکت مردمی و رشد و بالندگی و پویایی در عرصه‌ی اقتصادی منجر می‌شود.

این اعتماد اجتماعی است که تعهد به منافع ملی و اجتماعی را بالا می‌برد. در جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی بالا باشد مردم به حکومت، قوانین و مجریان آن به چشم حامی و خادم می‌نگرند و خود را نسبت به مشکلات اجتماعی مسئول می‌دانند و بی‌تفاوتی اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه، ناشی از بی‌اعتمادی است.

لذا اعتماد به دستگاه‌های اجرایی به عنوان یک مقوله‌ی اجتماعی، از مسائل اساسی است و نقش مدیران اجرایی این دستگاه‌ها در افزایش اعتماد مردم نیز اساسی و کلیدی خواهد بود. چنانچه مدیران با کارکنان و مردم رفتاری مهربانانه، صمیمی،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

بی‌ریـا و آزاد داشـته باشـند اعتمـاد شـکل گرفتـه و نمـود آن در تمامـی سـطوح مختلـف متبلـور خواهـد شـد.

۱ـ۳ـ سطوح اعتماد اجتماعی

در یـک تقسـیم‌بندی کلـی اعتمـاد را می‌تـوان در چهـار سـطح بررسـی کـرد؛ اعتمـاد بنیادیـن کـه در سـطح فـردی و روان‌شناسـی بررسـی می‌شـود، اعتمـاد بین‌شـخصی، اعتمـاد تعمیم‌یافتـه و اعتمـاد بـه نظـام یـا سیسـتم کـه در سـطح جامعه‌شناسـی بحـث می‌شـود.

ـ اعتمـاد بنیادیـن[1]: اعتمـاد بنیادیـن نگرشـی اسـت کـه فـرد نسـبت بـه خـود و دنیـای پیرامـون خـود دارد و موجـب تقویـت ایـن احسـاس می‌شـود کـه افـراد و امـور دنیـا، قابـل اعتمـاد و دارای ثبـات و اسـتمرار هسـتند (گیدنـز، ۱۳۸۰: ۲۳). اریـک اریکسـون، روانـکاو نامـدار معتقـد اسـت ایـن اعتمـاد، محصـول فرایندهـای دوره‌ی نـوزادی اسـت. اگـر دیگـران نیازهـای اصلـی و مـادی و عاطفـی نـوزاد را تأمیـن کننـد، حـس اعتمـاد در کـودک بـه وجـود می‌آیـد؛ امـا عـدم تأمیـن ایـن نیازهـا سـبب می‌شـود نوعـی بی‌اعتمـادی نسـبت بـه جهـان، به‌ویـژه در روابـط شـخصی بـه وجـود آیـد (بالاخانـی و جواهـری، ۱۳۸۵: ۴).

ـ اعتمـاد بین‌شـخصی[2]: اعتمـاد بین‌شـخصی شـکلی از اعتمـاد اسـت کـه در روابـط چهـره بـه چهـره خـود را نشـان می‌دهـد. ایـن شـکل از اعتمـاد موانـع ارتباطـی را مرتفـع می‌سـازد و بـا کاسـتن از حالـت دفاعـی، بسـیاری از تعامـلات روزانـه را موجـب می‌شـود. اعتمـاد بین‌شـخصی، حـوزه‌ای از تعامـلات میـان عشـاق، دوسـتان و همکاران همچنیـن اعتماد میـان رئیـس و کارمنـد، سرپرسـت و کارگـر، معلـم و شـاگرد، فروشـنده و مشـتری، پزشـک و بیمـار و ... را دربـر می‌گیـرد. مشـکل اصلـی اعتمـادی کـه از تجربـه‌ی تعامـل شـخصی ایجـاد می‌شـود، محـدود بـودن قلمـرو آن اسـت در جامعـه‌ای کـه تحـرک و نیازهـا بـه همـکاری بـا غریبه‌هـا و اتـکاء بـه آنهـا یکـی از ویژگی‌هـای برجسـته‌ی آن اسـت، ایـن امـر چنـدان راه‌گشـا نیسـت (امیرکافـی، ۱۳۸۵: ۸۳).

ـ اعتمـاد تعمیم‌یافتـه[3]: اعتمـاد تعمیم‌یافتـه را می‌تـوان داشـتن حسـن ظـن نسـبت بـه اکثریـت افـراد جامعـه جـدای از تعلـق آنهـا بـه گروه‌هـای قومـی و قبیلـه‌ای تعریـف کـرد (همـان: ۹). موضـوع ایـن اعتمـاد به‌عنـوان مهم‌تریـن عنصـر نگرشـی سـرمایه‌ی اجتماعـی قلمـداد شده‌اسـت و از آن جهـت، متمایـز کـردن جوامعـی کـه دارای سـرمایه‌ی اجتماعـی سـطح بـالا هسـتند نسـبت بـه جوامعـی کـه سـطح پایینـی دارنـد، اسـتفاده می‌شـود.

این نوع اعتماد در سطحی گسترده‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد.

اعتماد تعمیم‌یافته بنا بر تعریف فوق متضمن نکات زیر است:

ـ اعتمـاد تعمیم‌یافتـه تنهـا بـه افـرادی کـه باهـم تعامـل دارنـد و میانشـان روابـط چهـره بـه چهـره برقـرار اسـت، محـدود نمی‌شـود.

ـ اعتمـاد تعمیم‌یافتـه مرزهـای خانوادگـی، قومـی و محلـی را در می‌نـوردد و در سـطح ملـی گسـترش می‌یابـد.

1. Basic Trust
2. Interpersonal Trust
3. Generalized Trust

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

ـ اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌ای از کسانی که با ما تعامل دارند یا بالقوه می‌توانند تعامل داشته باشند، دربر می‌گیرد.
ـ اعتماد تعمیم‌یافته پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است که با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا دولت ـ ملت مطرح می‌شود.
ـ اعتماد تعمیم‌یافته لازمه‌ی همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند.
ـ در جامعه‌ی سنتی نیاز چندانی به اعتماد تعمیم‌یافته نیست؛ زیرا مرزهای مشخصی بین خودی و بیگانه همچنین بین دوست و دشمن وجود دارد. اعتماد در جامعه‌ی سنتی محدود به کسانی است که به آن جمع تعلق دارند و هر کس خارج از آن قرار گیرد، مظنون و مشکوک است (امیرکافی، ۱۳۸۵: ۹).

ـ اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه‌ی مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط، ارتباط‌گران انسانی نیستند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنشگران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده‌است.

الف) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی دلالت دارد که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند. بنابراین، میزان اعتماد نهادی برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، دولت، مجلس و ... نوعی از این اعتماد هستند. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای مختلف دارند در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییراتی می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۶: ۵۶).

ب) اعتماد انتزاعی (مدنی): گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های اجرای کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد؛ مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده باشد، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه‌ی بالا این است که هیچ کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند (گیدنز: ۱۳۸۰: ۳۴). زندگی در دوره‌ی مدرن توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته، همه یا بیشتر کارهای خود را به صورت مستقل انجام دهد. البته به نظر زتومکا اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظم، دموکراسی، علم و غیره نیز تعلق یابد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۹۸).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

۱ـ۴ـ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ی اصلی این تحقیق مدعی وجود رابطه بین ازکار افتادگی‌های بیمه‌ی تأمین اجتماعی و اعتماد اجتماعی آنهاست.

براساس فرضیه‌ی اصلی این تحقیق، فرضیات فرعی زیر ارائه می‌شود:

ـ بین میزان اعتماد به نظام یا سیستم با مستمری‌بگیران بیمه‌ی تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد.

ـ بین میزان اعتماد به نهاد با مستمری‌بگیران بیمه‌ی تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد.

ـ اعتماد اجتماعی مستمری‌بگیران ازکارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی نسبت به فاقدان مستمری، از سطح بالاتری برخوردار است.

۱ـ۵ـ روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی استاندارد تحقیق مادسیج پشتیبان پژوهش است و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، مستمری‌بگیران و فاقدان مستمری از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی است که در سال‌های ۱۳۹۳ـ ۱۳۹۱ براساس قانون تأمین اجتماعی تحت پوشش مستمری قرار گرفته‌اند و براساس سالنامه‌ی آماری تأمین اجتماعی، تعداد آنها ۳۰۷۴ نفر در طی این سه سال می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی است که در آن، تعداد سی نفر از هر دو گروه به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش‌نامه به صورت یکسان میان آنها توزیع و پاسخ‌ها دریافت شد.

۲ـ تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۲ـ۱ـ از کارافتادگی

از کارافتادگی با بیماری متفاوت است. از کارافتادگی می‌تواند از بیماری یا حادثه‌ی شغلی همچنین از حادثه یا بیماری غیرحرفه‌ای نشأت گیرد. چنانچه کارگر به هر دلیل توانایی خود را به صورت کلی یا جزیی از دست دهد، با توجه به درجه‌ی کاهش توانایی در دسته‌بندی مختلفی قرار می‌گیرد. در برخی موارد چنانچه کاهش توانایی ناشی از کار کارگر باشد، از سوی بیمه‌ی تأمین اجتماعی مورد حمایت است و چنانچه از غیر حرفه‌ی او باشد، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. یکی از مباحث حقوق کار، تعیین وضعیت کارگران از کارافتاده به منظور استفاده از مزایایی است که قوانین تأمین اجتماعی برای آنان در نظر گرفته‌است؛ برای مثال باید اشاره کرد که به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای ناشی از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی را به منظور حمایت از فرد از کارافتاده تأمین کند.

این اصل مقرر می‌کند: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

پیـری، از کارافتادگـی، بی‌سرپرسـتی، در راه ماندگـی، حـوداث و سـوانح، نیـاز بـه خدمـات بهداشـتی و درمانـی و مراقبت‌هـای پزشـکی بـه صـورت بیمـه و غیـره حقـی اسـت همگانـی. دولـت مکلـف اسـت طبق قوانیـن از محـل درآمدهای عمومـی و درآمدهای ناشـی از مشـارکت مـردم، خدمـات و حمایت‌هـای مالـی فـوق را بـرای یک‌یـک افـراد کشـور تأمیـن کنـد. بـر طبـق ایـن اصـل، قوانیـن عـادی نیـز در حمایـت از کارگـران از کارافتـاده گام برداشـته‌اند. در مبنـای ایجـاد ایـن قانـون تصویـب شـده نیـز بایـد گفـت کـه از کارگـران از کار افتـاده تحـت عنـوان افـرادی کـه از قـدرت تولیـد و بهـره‌وری پایینـی برخوردارنـد، یـاد شـده و لازم اسـت در مواقعـی کـه ایـن قشـر از کارگـران گرفتـار سـانحه یـا آسـیب می‌شـوند، مـورد حمایـت قـرار گیرنـد. بـه همیـن علـت، بحـث پیـش‌رو دربـاره‌ی سـاز و کارهـای حمایـت از ایـن قشـر کارگـران در قانـون تأمیـن اجتماعـی اسـت.

از کارافتادگـی انـواع مختلفـی دارد. مـورد نخسـت، از کارافتادگـی کلـی اسـت کـه عبـارت اسـت از کاهـش قـدرت کار کـردن بیمـه شـده بـه نحـوی کـه نتوانـد بـا اشـتغال بـه کار سـابق یـا کار دیگـر، بیـش از یـک سـوم درآمـد خـود را بـه دسـت آورد. در چنیـن مـواردی بـه تشـخیص کمیسـیون پزشـکی، بایـد درجـه‌ی کاهـش قـدرت کار کـردن بیمـه شـده ۶۶ درصـد و بیشـتر باشـد. لازم اسـت بـه ایـن نکتـه اشـاره شـود کـه ایـن نـوع از کارافتادگـی اعـم از اینکـه ناشـی از حادثـه و بیمـاری حرفـه‌ای باشـد یـا نـه، مـورد حمایـت بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی اسـت و بـه موجـب آن مسـتمریِ از کارافتادگـی پرداختـه خواهـد شـد؛ بـا ایـن تفـاوت کـه چنانچـه از کارافتادگـی بـه موجَـب حادثـه‌ی ناشـی از کار یـا بیمـاری شـغلی باشـد، مسـتمری از کارافتادگـی بـه صـورت کامـل و در غیـر ایـن صـورت بـه نسـبت سـنوات حـق بیمـه‌ی پرداختـی، مسـتمری محاسـبه و پرداخـت می‌شـود. در مـورد محاسـبه‌ی از کار افتادگـی کلـی نیـز بایـد گفـت ایـن نـوع از کار افتادگـی بـه ایـن طریـق محاسـبه می‌شـود کـه یـک سـی‌ام متوسـط حقـوق ماهانـه‌ی بیمـه شـده در سـنوات پرداخـت حـق بیمـه ضرب می‌شـود؛ بـه نحـوی کـه از صـد درصـد متوسـط حقـوق ماهانـه او کمتـر و از ۵۰ درصـد آن بیشـتر باشـد. همچنیـن بایـد توجـه داشـت حقوق متوسـط ماهانـه که مبنـای محاسـبات قرار می‌گیـرد، عبـارت اسـت از جمـع ۷۲۰ روزمـزد ـ کـه بـر مبنـای آن حـق بیمـه‌ی پرداخـت شده‌اسـت ـ قبـل از وقـوع حادثـه، تقسـیم بـر روزهـای کارکـرد ضـرب در ۳۰ اسـت. ذکـر ایـن امـر نیـز لازم اسـت بیمه‌شـدگانی کـه همسـر، فرزنـد یـا پـدر و مـادر تحـت تکفـل داشـته باشـند و مسـتمری اسـتحقاقی آنـان از ۶۰ درصـد مـزد یـا حقـوق متوسـط آنـان کمتـر باشـد؛ عـلاوه بـر آن، معـادل ده درصـد مسـتمری اسـتحقاقی بـه عنـوان کمـک بـه آنهـا پرداخـت خواهـد شـد. مشـروط بـر آنکـه جمـع مسـتمری و کمـک از ۶۰ درصـد تجـاوز نکنـد.

مـورد دوم، از کارافتادگـی جزئـی اسـت کـه بـه کاهـش قـدرت کار کـردن بیمه شـده گفته می‌شـود؛ بـه نحـوی کـه بـا اشـتغال بـه کار سـابق یـا کار دیگـری، فقـط قسـمتی از درآمـد خـود را بـه دسـت آورد. در چنیـن مـوردی بـه تشـخیص کمیسـیون پزشـکی بایـد میـزان کاهـش قـدرت کار کـردن بیمـه شـده، بیـن ۳۳ تـا ۶۶ درصد باشـد. مضاف بـر آن، علـت حادثه نیـز بایـد ناشـی از کار باشـد؛ بنابرایـن از کارافتادگـی جزئی فقـط در اثـر حادثه‌ی ناشـی از کار،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

مشـمول حمایـت بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی اسـت و از کارافتادگـی ناشـی از حادثـه‌ی خارجـی یـا بیمـاری اعـم از حرفـه‌ای یـا غیـر حرفـه‌ای را شـامل نمی‌شـود. بایـد اضافـه کـرد کـه حـوادث ناشـی از کار، حوادثـی اسـت کـه در حیـن اجـرای وظیفـه و بـه سـبب آن بـرای بیمـه شـده اتفـاق می‌افتـد و مقصـود از حیـن اجـرای وظیفـه، تمـام اوقاتـی اسـت کـه بیمـه شـده در کارگاه یـا مؤسسـه‌های وابسـته یـا سـاختمان‌ها و محوطـه‌ی آنهـا مشـغول بـه کار باشـد، یـا بـه دسـتور کارفرمـا در خـارج از محوطـه‌ی کارگاه بـه اجـرای مأموریتـی اشـتغال داشـته باشـد. اوقـات مراجعـه بـه درمانـگاه و بیمارسـتان یـا بـرای معالجـات درمانـی و توان‌بخشـی و اوقـات رفـت و برگشـت بیمـه شـده از منـزل بـه کارگاه، جـزو اوقـات اجـرای وظیفـه محسـوب می‌شـود؛ مشـروط بـر اینکـه حادثـه در زمـان عـادی رفـت و برگشـت بـه کارگاه اتفـاق افتـاده باشـد. حوادثـی کـه بـرای بیمـه شـده در هنـگام نجـات سـایر بیمه‌شـدگان و مسـاعدت بـه آنـان رخ می‌دهـد، حادثـه‌ی ناشـی از کار محسـوب می‌شـود. میـزان مسـتمری از کارافتادگـی جزئـی، عبارتسـت از حاصل‌ضـرب درصـد از کارافتادگـی بیمـه شـده در مبلـغ مسـتمری از کارافتادگـی کلـی کـه ذکـر شـد.

مـورد سـوم از کارافتادگـی، مشـمول غرامـت نقـص مقطـوع اسـت کـه مطابـق آن اگـر درجـه‌ی کاهـش قـدرت کار کـردن بیمـه شـده بـه تشـخیص کمیسـیون پزشـکی، بیـن ۱۰ تا ۳۳ درصـد باشـد و آن حادثـه ناشـی از کار باشـد، بیمـه شـده اسـتحقاق آن را دارد کـه غرامـت نقـص مقطـوع را دریافـت کنـد. میـزان آن عبـارت اسـت: از ۳۶ برابـر مسـتمری اسـتحقاقی مقـرر در بنـد یـک ضـرب در درصـد از کارافتادگـی. در پایـان بـا بررسـی مـوارد فـوق بـه ایـن نتیجـه می‌رسـیم کـه کارگـران از کارافتـاده نیـز مـورد حمایـت قانونگـذار قـرار گرفته‌انـد؛ منتهـا درصـد از کارافتادگـی بـر نـوع و میـزان حقـوق آنـان تأثیـر گذاشته‌اسـت.

۲ـ۲ـ اعتماد اجتماعی

مهم‌تریـن رکـن سـرمایه‌ی اجتماعـی، اعتمـاد اجتماعـی اسـت. اعتمـاد عبـارت اسـت از تمایـل فـرد بـه قبـول شـدن در یـک موقعیـت اجتماعـی. ایـن اعتمـاد اجتماعـی اسـت کـه تعهـد بـه منافـع ملـی و اجتماعـی را افزایـش می‌دهـد. در جامعـه‌ای کـه اعتمـاد اجتماعـی بالا باشـد مـردم بـه حکومـت، قوانیـن و مجریـان آن بـه چشـم حامـی و خـادم می‌نگرنـد، خـود را نسـبت بـه مشـکلات اجتماعـی مسـئول می‌داننـد و بی‌تفاوتـی اجتماعـی بـه حداقـل خـود کاهـش می‌یابـد. بی‌ثباتـی سیاسـی، نارضایتـی عمومـی، رواج دروغ و نادرسـتی و در کل عـدم رعایـت اخـلاق در جامعـه، ناشـی از بی‌اعتمـادی اسـت. درواقـع، اعتمـاد اجتماعـی بـر انتظارها وتعهدهـای اکتسـابی تأئیـد شـده بـه لحـاظ اجتماعـی دلالـت دارد که افراد نسـبت بـه یکدیگر و نسـبت بـه سـازمان‌ها و نهادهـای مربـوط بـه زندگی اجتماعی‌شـان احسـاس می‌کننـد و این امـر بـا رابطـه‌ی تعمیم‌یافتـه قریـن اسـت. در ادبیـات این پژوهـش، تعریـف مفهومـی از اعتماد اجتماعـی بـا چهـار سـطح مطـرح شـده کـه اعتمـاد بنیادیـن و بیـن شـخصی، کمتـر در ایـن پژوهـش مشـاهده شـده اسـت. اعتمـاد تعمیم‌یافتـه را می‌تـوان چنیـن تعریـف کـرد: داشـتن حسـن ظـن نسـبت بـه افـراد جامعـه جـدای از تعلـق آنهـا بـه گروه‌هـای قومـی و قبیلـه‌ای؛ بنابرایـن، در اعتمـاد تعمیم‌یافتـه تعامـل و ارتبـاط از سـطح درون گروهـی بـه بیـن گروهـی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

ارتقا می‌یابد. برای بررسی این بعد از اعتماد، اعتماد مستمری‌بگیران به افراد و جامعه مورد سنجش قرار گرفته‌است. اعتماد نهادی بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی دلالت دارد که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند و بازگوکننده‌ی خوش‌بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها وگروه‌های اجتماعی است که مستمری‌گیران و فاقدان مستمری بیمه‌ی تأمین اجتماعی با گزینه‌های (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) اندازه‌گیری شده‌است و در مجموع، نمره‌ی کل اعتماد اجتماعی، مجموع بعد شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی اعتماد خواهد بود.

۳ـ یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی یک طبق سالنامه‌ی آماری سازمان تأمین اجتماعی، آمار برقراری احکام مستمری از کارافتادگی تأمین اجتماعی هرمزگان را نشان می‌دهد. برطبق این آمار، تعداد کسانی که در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مشمول مستمری کلی ناشی از کار شده‌اند، به ترتیب ۹۹، ۱۰۲ و ۱۰۸ نفر است. همچنین تعدادکسانی که در این سال‌ها (۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳) به تشخیص کمسیون پزشکی مشمول از کارافتادگی کلی غیر ناشی از کار شده‌اند، به ترتیب ۷۳۲، ۸۱۰ و ۸۷۱ نفر و مشمولین مستمری جزئی ناشی از کار به ترتیب ۱۰۹، ۱۱۵ و ۱۲۵ نفراست که در مجموع ۳۰۷۴ نفر به عنوان مستمری‌بگیر از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی، تحت پوشش قرار گرفته‌اند (دفتر آمار بیمه‌ی اجتماعی هرمزگان: ۱۳۹۴).

جدول ۱: سالنامه‌ی آماری سازمان تأمین اجتماعی

سال	کلی ناشی از کار	کلی غیر ناشی از کار	جزئی ناشی از کار	جمع کل
۱۳۹۱	۹۹	۷۳۲	۱۰۹	۹۴۱
۱۳۹۲	۱۰۴	۸۱۰	۱۱۵	۱۰۲۹
۱۳۹۳	۱۰۸	۸۷۱	۱۲۵	۱۱۰۴
		جمع کل		۳۰۷۴

جدول شماره‌ی دو، توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب جنسیت در دو گروه مستمری بگیران و مستمری نگرفته‌های بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی مربوط به مستمری بگیران مرد است. توزیع فراوانی پاسخگویانی که مستمری نگرفته‌اند، بین دو جنس مساوی است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگو در دو گروه مستمری‌بگیران و مستمری نگرفته‌ها بر حسب جنسیت

پاسخگویان	جنسیت		کل
	زن	مرد	
مستمری‌بگیران	۱۲	۱۸	۳۰
مستمری‌نگرفته‌ها	۱۵	۱۵	۳۰
کل	۲۷	۳۳	۶۰

جدول شماره‌ی سه، توزیع فراوانی پاسخگویان را در اعتماد اجتماعی بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود؛ از بین ۳۰ پاسخگوی مستمری‌بگیر بیمه‌ی ازکار افتادگی، ۷ نفر از آنها از اعتماد اجتماعی بالا و ۲۳ نفر از سطح اعتماد اجتماعی متوسط برخوردارند. در حالی که ۱۱ نفر از پاسخگویانی که فاقد این بیمه هستند، سطح اعتماد اجتماعی پایین و ۱۹ نفر سطح اعتماد متوسطی دارند.

جدول شماره‌ی ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان در اعتماد اجتماعی بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی

پاسخگویان	اعتماد اجتماعی بالا	اعتماد اجتماعی متوسط	اعتماد اجتماعی پایین	کل
مستمری بگیران	۷	۲۳	۰	۳۰
فاقدان مستمری	۰	۱۹	۱۱	۳۰
کل	۷	۴۲	۱۱	۶۰

جدول شماره‌ی۴، تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان را بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. برای بررسی این رابطه، از آزمون تی مستقل استفاده شده‌است. با مشاهده‌ی جدول مذکور، به وجود تفاوت قابل توجه در میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان دو گروه پی می‌بریم. با توجه به آمار به دست آمده، پاسخگویان مستمری‌بگیر (۷۰/۹۳) نسبت به پاسخگویان فاقد مستمری (۵۳/۴۳)، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند؛ بنابراین با توجه به مقدار T (۸/۳۸) و سطح معناداری P ۰/۰۰۰ ⇐ فرض H۱ مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی آنها با استفاده از آزمون اتا سنجیده شد. نتیجه‌ی به دست آمده (جدول ۵)، از شدت رابطه‌ی بالا (۰/۷۴) بین دو متغیر حکایت می‌کند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

جدول ۴: بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

میزان همبستگی	آزمون اتا
۰/۷۴	رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

جدول ۵: بررسی تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان در دو گروه دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

وابسته	مستقل	انواع	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح
اعتماد اجتماعی	دریافت یا فقدان مستمری	دریافت کنندگان	۳۰	۹۳/۷۰	۷/۶۲۲۶	۷/۶۴۵	۸/۳۸	۵۷/۳۵	۰/۰۰۰
		غیر دریافت کنندگان	۳۰	۵۳/۴۳	۸/۵۰۴۳	۷/۵۵۳			

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی اعتماد اجتماعی پاسخگویان در دریافت و فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی انجام شد. مستمری‌بگیران از کارافتاده، بخشی از جامعه هستند که به دلایل مختلفی از انجام کار بازمانده‌اند و نمی‌توانند به کار و فعالیت در جامعه بپردازند. آنها در صورت نداشتن پشتوانه‌ی مالی برای تأمین مایحتاج زندگی، امید خود را نسبت به آینده، جامعه و افراد آن، نهادهای اجتماعی و ... از دست می‌دهند و اعتماد آنها نسبت به جامعه سلب می‌شود، اما وجود نهاد و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی سبب کسب اعتماد اجتماعی می‌شود. این نوع از اعتماد، اعتماد به نظام یا سیستم است که در سطح جامعه‌شناسی بحث می‌شود و متوجه ساختارهای غیر شخصی است. در اعتماد به نظام یا سیستم، در جامعه‌ی مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط، ارتباط‌گران انسانی نیستند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنشگران غیر فردی ارتباط برقرار می‌کنند. یافته‌ها و داده‌های این پژوهش بیان می‌کند که نهاد و اداره‌ی تأمین اجتماعی در استان هرمزگان، سبب شده افراد مستمری‌بگیر ازکارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی، نسبت به عملکرد نهادها وگروه‌های اجتماعی خوش‌بین شوند و اطمینان

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

یابنـد. براسـاس توزیـع فراوانـی پاسـخگویان در اعتمـاد اجتماعـی بـر حسـب دریافت یـا فقدان مسـتمری بیمـه‌ی از کارافتادگـی تأمیـن اجتماعـی، طبق جدول شـماره‌ی سـه نشـان می‌دهد کـه از مجمـوع سـی نفـر پاسـخگویان ۷ نفـر از درجـه اعتمـاد بـالا، ۲۳ نفـر از درجـه اعتمـاد متوسـط برخوردارنـد و هیـچ فـردی در درجـه اعتماد پاییـن قرار نـدارد. در گروه دوم مسـتمری نگرفته‌هـای تأمیـن اجتماعـی، در درجـه اعتمـاد اجتماعـی بـالا عـدد صفـر، در درجـه اعتمـاد متوسـط ۱۹ و اعتمـاد پاییـن ۱۱ نفـر را نشـان می‌دهـد. داده‌هـای آمـاری اعتمـاد اجتماعـی نشـان می‌دهـد کـه بیـن از کار افتادگی‌هـای بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی، اعتمـاد اجتماعـی و میـزان اعتمـاد بـه نظـام یـا سیسـتم بـا مسـتمری‌بگیران بیمـه‌ی تأمیـن اجتماعـی رابطـه‌ای وجـود دارد. ایـن فرضیـه کـه اعتمـاد اجتماعـی مسـتمری‌بگیران ازکارافتادگـی بیمـه‌ی تأمین اجتماعـی نسـبت بـه فاقـدان مسـتمری، از سـطح بالاتـری برخـوردار اسـت؛ طبـق پاسـخ‌های بـه دسـت آمـده از پرسـش‌نامه‌ها صحیـح اسـت. جـدول شـماره‌ی ۴ تفـاوت قابـل توجهـی را در میـزان اعتمـاد اجتماعـی در بیـن پاسـخگویان دو گـروه نشـان می‌دهـد. بـا توجـه بـه آمـار بـه دسـت آمـده از میـزان اعتمـاد اجتماعـی در بیـن پاسـخگویان دو گـروه، پاسـخگویان مسـتمری‌بگیر (۷۰/۹۳) نسـبت بـه پاسـخگویان فاقـدان مسـتمری (۴۳/۵۳) از میـزان اعتمـاد اجتماعـی بالاتـری برخوردارنـد؛ بنابرایـن، بـا توجـه بـه مقـدار T (۸/۳۸) و سـطح معنـاداری ۰/۰۰۰ P<، فـرض H۱ مبنـی بـر وجـود رابطـه بیـن دو متغیـر پذیرفتـه می‌شـود. همچنیـن میـزان همبسـتگی میـان آنهـا نیـز سـنجیده شـد و نتیجـه‌ی بـه دسـت آمـده حاکی از شـدت رابطـه‌ی بـالا (۰/۷۴) بیـن دو متغیـر اسـت.

منابع و مآخذ

آزاد ارمکـی، تقـی و کمالـی، افسـانه (۱۳۸۳)، *«اعتمـاد، اجتمـاع و جنسـیت؛ بررسـی تطبیقـی اعتمـاد متقابـل در بیـن دو جنـس»*، جامعه‌شناسـی ایـران، دوره‌ی پنجـم، شـماره‌ی ۲: ۱۳۲ - ۱۰۰.

امیرکافـی، مهـدی (۱۳۷۴)، *«اعتمـاد اجتماعـی و عوامـل مؤثـر بـر آن»*، نمایـه پژوهـش، شـماره‌ی ۱۸: وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی.

اینگلهـارت، رونالـد (۱۳۸۲)، *تحـول فرهنگـی در جامعـه پیشـرفته صنعتـی*، ترجمـه‌ی مریـم وتـر، تهـران: کویـر.

بالاخانـی، قـادر و جواهـری، فاطمـه (۱۳۸۵)، *«رسـانه جمعی و اعتماد، بررسـی تأثیر رسـانه‌های جمعـی بـر اعتمـاد اجتماعـی (مطالعـه مـوردی شـهروندان تهرانـی)»*، مجلـه علـوم اجتماعـی، سـال سـوم، شـماره‌ی ۱: ۲۹ - ۱.

تاج‌بخـش، کیـان (۱۳۸۴)، *سـرمایه اجتماعـی، اعتمـاد، دموکراسـی و توسـعه*، افشـین خاکبـاز و حسـن پویـان، تهـران، شـیرازه.

خدا بندلو، محمد (۱۳۹۰)، *روزنامه کیهان*، یکشنبه ۵ مهر.

ریتـزر، جـرج (۱۳۸۶)، *نظریـه جامعه‌شناسـی در دوران معاصـر*، ترجمـه‌ی محسـن ثلاثـی، تهـران: انتشـارات علمـی.

زتومـکا، پیوتـر (۱۳۸۶)، *نظریـه جامعه‌شـناختی اعتمـاد*، ترجمـه‌ی غلامرضـا غفـاری، تهـران:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

شـیرازه.
علی‌پـور، پرویـن؛ زاهـدی، محمدجـواد و شـبانی، ملیحـه (۱۳۸۸)، «*اعتماد و مشـارکت، بررسـی رابطـه بیـن اعتمـاد و مشـارکت در شـهر تهـران*»، مجلـه جامعه‌شناسـی ایـران، دوره‌ی دهـم، شـماره‌ی ۲: ۱۳۵ - ۱۰۹.
فوکویامـا، فرانسـیس (۱۳۷۹)، *پایـان نظـم؛ سـرمایه اجتماعـی و حفظ آن*، ترجمـه‌ی غلامعباس توسـلی، تهـران: جامعـه ایرانیان.
کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیاد نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.

Reeskens, Tim and Hooghe, Marc (2008), *cross-cultural measurement equivalence of 13-generalized trust*, (2007) soc zndic Res, pp 515-532.
www.tebyan-zn.ir
www.kayhannews.ir
www.vekalatonline.ir

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]

The Status of insurance in attracting social trust in Bandar Abbas

M. Jafarinezhad[1]
M. Kharazmi[2]

Abstract

The concept of social trust develops in the process of social relationships between individuals and organizations together. It is the main and the most important pillar of social capital in the private and public spheres forming the capital. Its private aspect applies to the relationship of two individuals and its public aspect appears in trusting group, party or government or formal and non - formal organizations and social institutions. These organizations or social institutions can create relationships between individuals, and then increase social participation and finally create social trust. This article aims to examine the differences of the mean of respondents' Social trust in both groups, receiving or not receiving a pension from Social Security disability insurance in Hormozgan province. The statistical population consisted of two groups of pensioners of the Social Security Disability Insurance in the province in years of 1391-1393 and on the one hand, non-pensioners of the Social Security Insurance in the province. Thirty people are selected randomly from each group as the sample. The research method is survey and data are collected using madsyj standard questionnaire of the social trust and for studying social relations between the two groups independent t-test is used and their correlation is measured by using the ETA test. The findings show that pensioners of the Social Security Disability Insurance benefit from social trust more highly than non- pensioners of the Social Security Disability Insurance. and the obtained results indicate the severity of the above relation (74/0) between two variables.

Keywords: social trust, Social Security, Social Security Insurance, Social Security Disability Insurance.

1. Assistant Professor of political science, Azad University of Shahr Reza, Isfahan.
2. Ph.D. student of Political Science and Public Policy, Payame Noor University of Hormozgan.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-10-15]